

تحلیلی بر برهان عنایت

عنایت و برهان آن از جمله مسائلی است که مستقیماً، مربوط به علم کلام نمی‌شود، بلکه جزء اصطلاحات فلسفی، به ویژه فلسفه اشراق و اصطلاحات صوفیه است.^(۱) اما از آنجا که شمار زیادی از مباحث کلامی، از رهگذر برهان و حقیقت عنایت بهره می‌گیرند، متکلمان نیز به نوبه خود، به شرح و استوار سازی میانی عنایت پرداخته‌اند، ولی هیچ‌گاه معنا و تفسیر جدیدی از آن ارائه نکرده‌اند و به همان محدوده فلسفی آن بسنده کرده‌اند.

مباحث کلامی مانند علم الهی، قدرت الهی، شرور و خیرات، اراده الهی و... در سایه سار معنای عظیم عنایت به عرصه تبیین وارد شده‌اند. جایگاه عنایت و برهان بلند آن در فلسفه اسلام و غرب «عنایت از منظر لغت شناسان، حکما و دانشمندان فلسفی» را در این مقاله کوتاه مورد بحث قرار داده به تبیین پیشینه عنایت در اندیشه فرزنانگان اسلامی و اثبات نظام احسن به عنوان مفاد این برهان می‌پردازیم.

مقدمه

معنایی آن در لغت و اصطلاح مورد بررسی

قرار گیرد، لذا به عنوان مقدمه به این بحث

پرداخته و سپس وارد موضوع و بحث اصلی

جهت بررسی جایگاه برهان عنایت در

فلسفه اسلام و غرب ابتدا لازم است سیر

مقاله می‌شویم.

عالمان جهان اسلامند که بحث عنایت را گسترده‌تر کردند و موضوع آن را به عنوان برهانی الهی در نظام هستی و آفرینش موجودات وارد نمودند، که از جمله آنها می‌توان به محقق طوسی، عضدالدین ایجی، فیاض لاهیجی اشاره نمود. (۵) تعریف ایشان از عنایت عبارت است از این که: «عنایت» علم خداوند است به نظام خیر به وجهی که مبدأ فیضان نظام خیر باشد. (۶)

تعریف حکمای اسلامی و فرزندان عرصه فلسفه از «عنایت»

موضوع و مباحث مربوط به عنایت، سرگذشتی دیرینه در اندیشه حکما و فیلسوفان دارد و توجه جدی و اهتمام حقیقی شمار زیادی از ایشان حکایت از مقبولیت و اعتبار آن دارد. مشائیان که ارسطو و اتباع اویند، عنایت را چنین

لفظ «عنایت» اسم مصدر از ماده «ع، ن، ی» از وزن عَیّ - یَعْنِی است که دارای معانی اراده، قصد، در نظر گرفتن، رسیدگی کردن، توجه، بخشش و انعام است. (۲)

جرجانی در تعریفات، تهانوی در کشف اصطلاحات فنون و شمس الدین محمود عاملی در نفایس الفنون به این اصطلاح عنایتی نداشته‌اند. (۳)

معنای اصطلاحی عنایت، در فلسفه و کلام و عرفان، بی ارتباط با معنای لغوی آن نیست، هر چند پیامدهای منفی مانند قصد زاید، استکمال و... که مربوط به موجودات ممکن می‌شود و در ساحت کبریایی الهی راه ندارد در عنایت الهی منتفی است. (۴)

دانشمندان کلام اسلامی اولین گروه از

۲. ر. ک: طریحی، ج ۳، ص ۲۶۴.

۳. ر. مجله: رابرت مریو آدافر، همان، ص ۹۵.

۴. ر. مقاله: لطیفی، ۱۳۸۲ هـ. ش، ش ۸ و ۹، ص ۱۱۷.

۵. ر. ک: همان‌ها، به ترتیب ص ۴۵۴، ص ۸۱ و ص ۳۱۲.

۶. حسن زاده آملی، ۱۳۷۵ هـ. ش، ص ۱۸۷.

نیست. ^(۹) وی در جای دیگر بر این باب چنین می‌نویسد: «كون الأول عالماً لذاته بما عليه الوجود من نظام الخير وعلّة لذاته للخير والكمال بحسب الإمكان وراضياً به على التّحو المذكور، فيعقل نظاماً للخير على الوجه الأبلغ في الإمكان فيفيض عنه ما يعقله نظاماً وخيراً على الوجه الأبلغ الذي يعقله فيضاناً على أتم تأدية إلى النظام بحسب الإمكان. فهذا هو معنى العناية». ^(۱۰)

افلاطون نیز از تعریف ارسطو در مورد «عنایت» تبعیت نموده و در تکمیل آن چنین می‌گوید: من معتقدم آفریننده‌ای که خیر مطلق است، کامل‌ترین عالمی را که می‌تواند بیافریند، می‌آفریند. ^(۱۱)

شیخ اشراق نیز از جمله کسانی است که به بحث عنایت اهمیت داده است. او

تعریف می‌کنند: «عنایت» این است که فاعل، در فعل خود، عوض نخواهد و آن که عوض خواهد، در فعل خود مستکمل است. ^(۷)

شیخ الرئیس که از نظر استدلال اندیشی و برهان‌های عقلی در فلسفه اسلامی تابع مشائیان ارسطویی است، بحث عنایت را بسیار جامع، منظم و مرتب در نوشته‌هایش مطرح نموده است. ^(۸)؛ او «عنایت» را چنین تعریف می‌کند: «عنایت» عبارت از این است که واجب الوجود بذاته، تعقل کند که اعضای جسم ایشان چگونه باشد، حرکت آسمان چه سان باشد، تا به گونه‌ای بهتر باشند و نظام خیر در آنها موجود باشد. این تعقل علم الهی به دنبال هیچ‌گونه شوقی، خواستی یا هدفی غیر از توجه به خویش

۷. شیخ الرئیس بوعلی سینا، ۱۳۷۵ هـ. ش، ص ۵۰۲؛ همان، ۱۳۷۵ هـ. ش، ص ۳۱۸.

۸. همان، ۱۴۲۱ هـ. ق، ص ۱۴.

۹. همان، ۱۳۶۴ هـ. ش، ص ۶۶۹.

۱۰. ر. مجله: رابرت مریو آدافر، ۱۳۷۲ هـ. ش، ش ۶۲، ص ۱۰۳.

۱۱. ر. ک: شیروانی، علی، ۱۳۷۴ هـ. ش، ج ۳، ص ۲۷۶؛ ر. ک: سهروردی «شیخ اشراق»،

۱۳۹۷ هـ. ق، ص ۱۶۶.

باشند تا که بر بهترین و کامل ترین وجه واقع شوند. (۱۵)

صدرالمتألهین شیرازی از جمله فیلسوفان حکمت متعالیه و مؤسس این مکتب است که عنایت را درجه متعالی نظام احسن معرفی نموده و می گوید: نظام معقول که نزد حکما عنایت نام دارد، مصدر همین نظام موجود است. پس این عالم موجود، در نهایت خیر و فضیلت ممکن است. (۱۶)

علامه قاضی عضدالدین ایجی، استاد مهدی الهی قمشاهی و علامه بزرگوار سید محمد حسین طباطبائی «رضوان الله علیهم اجمعین» نیز از جمله فلاسفه اسلامی و حکمای اعلیای هستند که راجع به «عنایت» سخن گفته و بر استحکام آن براهینی آورده اند. (۱۷)

علم الهی را از نوع حضوری می دانست و تفسیر فاعل بالعنایة را از جانب مشائیان که علم الهی را حصولی می پنداشتند نپذیرفت و با طرح فاعلیت بالرضاء، به غنای این مبحث افزود. (۱۲) وی عنایت را احاطه حق تعالی به چگونگی نظام کل و به آنچه تمام این مجموعه بر آن باشد می داند. (۱۳)

ابن رشد اندلسی نیز از جمله فیلسوفان متعهدی است که عنایت را لازمه نظام خلقت و آفرینش موجودات دانسته و علت پیدایش این نظام را عنایت الله معرفی می کند و نظام احسن را موجد از عنایت الهی می داند. (۱۴)

فخر رازی از جمله دانشمندانی است که به موضوع «عنایت» اهمیت داده و می گوید: عنایت یعنی علم خداوند به این که اشیاء به چه حالتی

۱۲. ر.ک: سهروردی «شیخ اشراق»، ۱۳۹۷ هـ.ق، ص ۱۶۷-۱۶۶.

۱۳. جیرارجهامی، ۲۰۰۰ میلادی، چاپ اول، ص ۷۵۴.

۱۴. فخر رازی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ج ۲، ص ۵۱۶.

۱۵. صدرالمتألهین، بی تا، ج ۷، ص ۱۱۱.

۱۶. عضدالدین ایجی، بی تا، ج ۸، ص ۸۱؛ شیروانی، ۱۳۷۴ هـ.ش، ج ۳، ص ۳۰۸.

۱۷. سجادی، ۱۳۷۹ هـ.ش، ج ۲، ص ۱۳۴۸؛ لطیفی، ۱۳۸۲ هـ.ش، ش ۸ و ۹، ص ۱۱۹.

تعریف و بحث عنایت از منظر عارفان

عرفای اسلامی معتقدند که عنایت یعنی علم محیط الهی به مصالح امور بندگان و نظام وجودی جهان. آنان عنایت را همان کرم جامع الهی و انعام و احسانی می‌دانند که از جانب پروردگار به بنده عطا گردیده است. بیشتر آنان، عنایت را، توجه حضرت حق به عارف کامل سالک می‌دانند و به عبارت دیگر آنچه اسباب رسیدن به کمال را برای بنده فراهم می‌کند، همان عنایت الهی است. (۱۸)

هجویری، عنایت الهی را ذیل محبت الهی آورده و بدین جهت عنایت را به معنای لطف و محبت خداوند بر بندگان گرفته است. (۱۹)

شاعر عارف فارسی گوی مولانا جلال

الدین بلخی نیز درباره عنایت بسیار زیبا سخن گفته است:

نیم ذره زان عنایت به بود

که ز تدبیر خرد سیصد رصد

شرك مکر خویشان گیر ای امیر

با بکش پیش عنایت خوش بمیر^(۲۰)

بی عنایت‌های آن دریای لطف

از چنین موجی به ساحل کی رسی^(۲۱)

به طور کلی عنایت، در اصطلاح

عارفان، به معنایی که عموم مردم

می‌فهمند، یعنی محبت و لطف خداوند بر

بندگان، بسیار نزدیک است. (۲۲) نتیجه

عنایت علمی و فعلی خداوند که همان

نظام احسن است و در همین مقاله از آن

بحث خواهد شد، مورد پذیرش عرفاست.

حقیقت هستی در عرفان نظری، واحد

شخصی است نه تشکیکی. (۲۳)

۱۸. هجویری، بی تا، چاپ پنجم، ص ۳۹۶.

۱۹. مولوی، بی تا، دفتر ششم، ص ۴۹۸.

۲۰. فروزانفر، ۱۳۴۸ هـ. ش، چاپ سوم، ج ۶، ص ۱۶۹.

۲۱. جوادی آملی، ۱۳۷۲ هـ. ش، چاپ سوم، ص ۲۱۷-۲۲۷.

۲۲. همان، ص ۲۲۶-۲۲۱.

۲۳. صدرالمآلهین، بی تا، ج ۶، ص ۲۹۱.

است و به تعبیر دیگر نظام احسن است .
طبق این سخن ، عنایت از صفات فعل
خداوند می باشد . (۲۵)

جایگاه بحث فلسفی عنایت

جهان ، فعل خدا و خداوند ، فاعل و
آفریننده هستی است ، پرسش اصلی ،
عبارت است از این که : «فاعلیت
خداوند ، چه نوع فاعلیتی است ؟» فلاسفه
پیشین ، دو نوع و تأثیر را در جهان ،
شناسایی کرده بودند : یکی ، فعل ارادی که
موجودات زنده ، با شعور و آگاهی انجام
می دهند ، مانند امور اختیاری انسان و
دیگری ، فعل و تأثیری که از موجودات بی
شعور و بی اراده سر می زند و همواره به یک
سان و مساوی است . قسم اول را فاعل
بالقصد و قسم دوم را فاعل بالطبع
گویند . (۲۶)

قبل از فلاسفه و حکمای الهی این
جمود فکری ایجاد شده بود که فاعل

در این جا يك جمع بندی از سخنان
عالم لغت ، متکلمان ، حکما و عرفا در
مورد آن نقل می کنیم و می گوییم :
«عنایت» یعنی اعتنا داشتن ، کوشش کردن
و همت گماردن به این منظور که کار به
بهترین وجه انجام پذیرد و هیچ نقطه ای از
نقاط آن ولو بسیار اندک و جزئی ، از هیچ
جهت مبهم باقی نماند ، به فراموشی سپرده
نشود ، مورد غفلت قرار نگیرد . از این
بررسی روشن می شود که عنایت در دو
حیطه مطرح می شود : يك بار در کنار علم
خداوند ؛ یعنی علم خدا به ذاتش ، در
صدور و آفرینش اشیا کافی است ، هدف
و انگیزه زائد هم نمی خواهد . در اصطلاح
حکمت مشاء ، علم عنائی خداوند ، از
صفات ذات محسوب می شود . (۲۴) يك بار
نیز در مقام فعل و چگونگی مخلوقات
الهی ملاحظه می شود ؛ یعنی مخلوقات و
جهان آفرینش ، چون بر اساس علم الهی
است ، در نهایت استواری و استحکام

۲۴ . مصباح یزدی ، ۱۳۷۲ هـ . ش ، چاپ اول ، ص ۴۶۲ .

۲۵ . ر . مقاله : لطیفی ، ۱۳۸۲ هـ . ش ، ش ۸ و ۹ ، ص ۱۲۱ .

۲۶ . ر . ك : الهی قمشاهی ، ۱۳۷۰ هـ . ش ، ج ۱ ، ص ۵۵ .

مخلوقات برمی‌گردد. این جا بود که حکما و فلاسفه الهی، جمود اندیشه را شکافتند و طرحی نو، بنیاد نهادند تا ضمن حفظ علم پیشین الهی به تمام مخلوقات، فاعل و سبب حقیقی بودن او و رضایت، اراده و خواست او، هدفمندی افعال او را به نمایش بگذارند (مسأله عنایت).^(۲۹)

شیخ الرئیس بوعلی سینا می‌گوید:
از آنجا که علم پیشین خداوند به نظام خیر در آفرینش، علمی بدون نقص است و چنین علمی سبب پیدایش اشیا است، پس هر آنچه لباس هستی بیوشد، در نهایت اتقان است و همین معنا را فلاسفه، عنایت می‌نامند.^(۳۰)

از نظر محقق طوسی، طرح فاعل بالعنایه به دو منظور است:
۱. خداوند که تمام و فوق کمال است، در آفرینش خود هیچ‌گونه هدف و غرض و اراده‌ای زاید بر ذاتش ندارد، بلکه

مختار، منحصر به همان فاعل بالقصد است و برخی متکلمان بدین جهت فاعلیت خدای متعال را هم از این نوع می‌دانستند و حال آن که ساحت خداوند منزّه است از این که او فاعل بالقصد باشد، چون، چنین فاعلی تنها با وجود انگیزه و غرضی مانند رسیدن به کمالات و رفع کمبودها که خارج از ذات اوست کاری را انجام می‌دهد. اینجا بود که گروهی در مقام ناچاری اظهار نمودند که فاعل اول، آفرینش را بدون اراده، بلکه تصادفی آفرید. این گروه دهریون، طبیعیون و قائلین به اتفاق در پدیده‌های نظام آفرینش بودند.^(۲۷)

گروهی دیگر گفتند: اراده و قصد داشت، اما هدف و غرضی نداشت آنها اشعری‌ها بودند.^(۲۸) و گروهی دیگر معتقد بودند که خدا هدف و غرض از ایجاد نظام هستی داشته، ولی سود و بهره‌اش به خود

۲۷. صدرالمآلهین، بی تا، ج ۷، ص ۵۷.

۲۸. همان، ج ۷، ص ۵۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۹ هـ. ش، ج ۲، ص ۹۰.

۲۹. ابن سینا، بی تا، ص ۸۸.

۳۰. ملاهادی سبزواری، ۱۳۷۵ هـ. ش، ج ۲، ص ۶۴۶.

و به آن چه در نظام احسن آفرینش موجود است و موجود می‌شود.

۲. ذات خداوند، سبب آفرینش آن موجودات است.

۳. آن موجودات، چون فعل ناشی از علم الهی هستند، پس مورد رضایت و خواست اویند و از آنجا که تمام اشیا، معلوم خداوند بوده و در پیشگاه او یکسان هستند، همه، به نحو احسن و اکمل، موجود می‌شوند و این است حقیقتاً عنایت باری تعالی به همه. (۳۳)

بنابراین در فلسفه، مبحث عنایت در مباحث صفات ذاتی و فعلی خداوند مطرح شده است، مانند علم عنایی (۳۴)، چگونگی اراده الهی (۳۵)، فاعلیت الهی در ذیل مباحث علت و معلول (۳۶) و اثبات نظام احسن. (۳۷)

از آنجا که به ذات خود علم دارد و ذاتش سبب و علت پیدایش اشیاست، پس همین علمش آفرینش را به دنبال دارد، نه این که مثل کارهای ما که ابتدا تصوّر می‌کنیم، بعد منافع و فوایدش را می‌سنجیم و سپس اراده و قصد می‌کنیم. آن گاه کار به سامان می‌رسد. (۳۱)

۲. علم خداوند که سبب آفرینش است، عین ذات اوست، پس در نهایت حسن و کمال است و هر آنچه در این عالم لباس هستی بپوشد، در نهایت حسن و کمال است. (۳۲)

حاصل سخنان صدرالمتألهین و علامه طباطبایی نیز در بحث عنایت همین گونه است. ایشان مفهوم عنایت را جامع سه امر می‌دانند:

۱. علم و آگاهی خداوند به خودش

۳۱. ابن سینا، ۱۳۷۵هـ. ش، ج ۳، ص ۳۱۸.

۳۲. صدرالمتألهین، بی تا، ج ۷، ص ۵۶.

۳۳. همان، ج ۶، ص ۲۹۱.

۳۴. همان، ج ۶، ص ۳۱۶.

۳۵. ر. ک: الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۰هـ. ش، ج ۷۱ ص ۶۰-۳۰.

۳۶. ابن سینا، بی تا، چاپ اول، ص ۹۰؛ صدرالمتألهین، بی تا، ج ۷، ص ۵۸.

۳۷. ر. ک: برتراند راسل، بی تا، چاپ ششم، ص ۸۰۶.

است؛ یعنی هر چه کمال، خوبی و خیر است، آن وجود، به نحو کامل و اکمل واجد آنهاست و از هر گونه نقص و کاستی، پاک و منزّه است؛ زیرا در غیر این صورت، واجب الوجود بالذات من جمیع الجهات نخواهد بود. (۳۹) بنابراین، آفرینندگی و علم اشیاء - قبل و بعد از پیدایش آن - و حبّ ذاتش و به دنبال آن حبّ و دوستی کارهایش (رضایت) در مورد ذات الهی ثابت است. پس هر آنچه لباس هستی می‌پوشد، پرتوی از علم اوست و علم او نیز عین ذات اوست و ذات متعال او در نهایت کمال، اتقان و تمام، بلکه بالاتر از اینهاست، لذا آفرینش در احسن نظام و بهترین شکل ممکن است.

فَالْكَوْنُ مِنْ نِظْمَةِ الْكِيَانِي

يُنشَأُ مِنْ نِظَامِهِ الرَّبَّانِي (۴۰)

عنایت مورد نظر حکما، به همین معنای مذکور بوده است، یعنی علم خداوند به ذاتش مبدأ صدور و پیدایش اشیا

اثبات نظام احسن

همان گونه که در تعریف اصطلاح عنایت گفته شد، نظام احسن از مفاد اصلی و مهم برهان عنایت است و علاوه بر این که مورد توجه فلاسفه اسلامی است، از مسائل قابل توجه و مهم فلاسفه یونان و کلام و فلسفه غرب نیز هست و برای آن جایگاه ویژه‌ای در این مکاتب فلسفی در نظر گرفته شده است. (۳۸) بر این اساس، دانشمندان این فن، ادلّه و براهینی ویژه برای اثبات نظام احسن آورده‌اند.

یکی از راه‌های بنیادی آنها در اثبات نظام احسن، برهان لمّی و گاه برهان ائی است، که ما در این نوشتار تنها به ذکر گزیده این دو برهان می‌نماییم.

الف) برهان لمّی

مفاد ادلّه اثبات وجود خداوند، واجب الوجود بالذات از تمام جهات

۳۸. ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۰ ه.ق، چاپ چهارم، ص ۲۹۰.

۳۹. ملاً هادی سبزواری، ۱۳۷۵ ه.ش، ج ۳، ص ۶۰۷.

۴۰. ابن سینا ۱۳۷۶ ه.ش، چاپ سوم، ص ۱۵۴.

می‌باشد. ^(۴۱) به وجود نیامدن نظام احسن و عدم عنایت به کار، یا به خاطر جاهل بودن فاعل به خیر و کمال و بهترین نظم ممکن است و یا به خاطر ناتوانی او از آفرینش نظام احسن است، همچنین یا به خاطر نخواستن و دوست نداشتن کمالات ذات خود است و یا به خاطر بخل و امساک تمام این موارد، يك نوع نقص و کاستی است که دلایل قطعی اثبات واجب الوجود، آنها را از ساحت کبریایی به دور می‌داند، بلکه مقابل آنها (کمالات) را برای او ثابت می‌داند. ^(۴۲)

افلاطون از جمله کسانی است که معتقد است، آفریننده‌ای که خیر مطلق است، کامل‌ترین عالمی را که می‌تواند بیافریند، خواهد آفرید. در نظر او، اگر چنین آفریدگاری، جهانی را انتخاب کند که دارای کمال کمتری است، حتماً نقصی

در صفت آفریننده بودنش دارد. ^(۴۳) ولی از راه حکمت الهی هم می‌توان نظام احسن را مطابق سخن افلاطون ترسیم نمود زیرا حکمت الهی، مقتضی نظامی است که موجب تحقق کمالات وجودی بیشتر و بالاتری باشد؛ یعنی سلسله‌های علل و معلولات مادی به گونه‌ای آفریده شوند که هر قدر ممکن است، مخلوقات بیشتری از کمالات بهتری بهره‌مند گردند. ^(۴۴)

ب) برهان اینی

نگاه خردمندانه به موجودات پیرامون، حکایت از نظم و نظام فراگیر دارد، نظام و ترتیب خاص و ویژه‌ای که در هر يك از انواع و تك تك افراد هر نوع جاری است، عنایت واجب تعالی نسبت به نظام احسن را تأیید و تصدیق می‌نماید.

صدرالمتألهین شیرازی، ناتوانی

۴۱. داماد، ۱۳۷۲ هـ. ش، ص ۴۲۵.

۴۲. ر. مجله: رابرت مریو آدافر، به نقل از تیماتوس، ۱۳۶۹ هـ. ش، E۲q A۳۰، ص ۱۰۲.

۴۳. مصباح یزدی، ۱۳۷۹ هـ. ش، ج ۲، ص ۴۲۳.

۴۴. صدرالمتألهین، بی تا، ج ۷، ص ۱۴۸-۱۱۷؛ مقاله: لطیفی، ۱۳۸۲ هـ. ش، ش ۸ و ۹، ص

جدی متکلمان و فیلسوفان غربی نیز بوده است. از جمله در تعریف و بحث از جایگاه فلسفی عنایت و برهان آن، سخن افلاطون و ارسطو یادآوری شد. در ادامه نظریات برخی مکاتب و فلاسفه غربی را نیز می‌آوریم تا جایگاه این موضوع در فلسفه غرب هم آشکار گردد:

۱. رواقیان از جمله مکتب‌هایی بودند که اعتقادشان چنین بود: خدا، همهٔ اشیا را به بهترین وجه مقدر می‌کند، به همین جهت آنها به تبیین شرور پرداختند. خروسیپوس که دومین رهبر اندیشهٔ رواقی است، در بحث عدل الهی، به عنوان عقیده‌ای بنیادی از خود، این نظریه را اتخاذ نموده که نقص افراد به کمال کل کمک می‌کند و نتیجه، این می‌شود که وقتی اشیا از دید سرمدیت نگاه شود، واقعاً شرّی وجود ندارد. (۴۶)

۲. دکارت می‌گوید: خداوند با قدرت خود، نه تنها به هر چه هست و

انسان را در شناخت و کشف نظم و نعمت‌های وجود خود، گوشزد نموده و در ادامه چنین می‌گوید:

«با این حال، چگونه او را توان درک و فهم نظام همگانی و نعمت فراگیر الهی است؟» وی سپس چند نمونه از شگفتی‌های آفرینش را ذکر نموده و از طریق برهان آنی، نظام احسن را اثبات می‌کند. (۴۵)

نظام احسن و برهان عنایت و جایگاه آنها در فلسفه غرب

بحث عنایت و نظام احسن با مفاهیم متعددی آمیخته‌اند، لذا تحت عناوین ذیل، قابل پی‌گیری در بین فلاسفه است:

عنایت (Providence)، بهترین عوالم ممکن (The best of possible Worlds)، خیر محض (The absolute good)، شرّ (Evil)، علم الهی (Science of the divine).

این بحث، از دیرباز، مورد توجه

۴۵. کاپلستون، ۱۳۷۱ هـ. ش، ج ۱، ص ۴۴۷-۴۴۱.

۴۶. اعوانی، ۱۳۸۰ هـ. ش، ج ۴، ص ۱۷۹.

تفسیر و تبیین می‌کند،^(۴۹) که این نشانگر عنایت الهی در جهان طبیعت به خاطر رسیدن به کمال در بعد معنوی و هدایت الهی است.

با توجه به شواهد و موارد مذکور، مشخص می‌گردد که موضوع عنایت و نظام احسن در کنار علم ازلی، توجیه شرور و توجه خداوند به امر تکامل معنوی انسانها، فقط در کلام و فلسفه اسلامی بحث نشده است، بلکه حداقل در کلام و فلسفه غرب هم مورد بررسی قرار گرفته و برهانی شده است.

پاسخ به دو شبهه

از دیرباز شبهاتی موجود یا احتمالی مربوط به اصل برهان عنایت و نظام احسن مطرح بوده که لازم است بررسی و پاسخ داده شود.

شبهه اول

یکی از شبهه‌ها در این خصوص این

خواهد بود، علم ازلی دارد، بلکه همچنین هر چه هست و خواهد بود، متعلق اراده و مشیت بی سابقه اوست.^(۴۷)

۳. لایب نیتز با شرح و بسط کامل، نظام احسن را اثبات نموده و در سایه سار آن، مشکل شرور را پاسخ می‌گوید. او چنین می‌گوید:

«خداوند به دلیل کمالش، بهترین جهان ممکن را خلق می‌کند. پیدایش پاره‌ای از خیرها، فقط، در حضور شرّ، ممکن است. مثلاً شکیبایی هنگامی میسر است که دردی وجود داشته باشد لذا خداوند ارزش کلی همه جهان‌های ممکن را سنجیده و جهانی را آفریده است که در آن جهان، شرور، به تحقق بهترین جهان مدد می‌رساند.^(۴۸)

سخن قابل توجه و شایان ذکر لایب نیتز، این است که وی بهترین جهان ممکن را برای رسیدن به ارتقای معنوی و فیض الهی و اعتلای برخی از نفوس ناطقه،

۴۷. فروغی، ۱۳۷۵ هـ. ش، چاپ سوم، ص ۲۳۹.

۴۸. کاپلستون، همان، ص ۴۲۳-۴۲۱.

۴۹. ابن سینا، ۱۳۷۵ هـ. ش، ج ۳، ص ۷۳۱۹؛ مطهری، ۱۳۷۷ هـ. ش، ج ۱، ص ۶۸.

مهم‌ترین مسائل فلسفه است که در شرق و غرب، موجب پیدایش فلسفه‌های ثنویت و مادیگری و بدبینی گردیده است. تا آنجا که من اطلاع دارم، فلاسفه غرب، پاسخ قطعی برای مشکل نداده‌اند. اما فلاسفه و حکمای اسلام با تجزیه و تحلیل اشکال، به پاسخ صحیح رسیده‌اند. (۵۱)

پاسخ این فلاسفه و حکما از این قرار است:

۱. شرور، یعنی نبود چیزی یا کمبود کمال یک چیز، و خیرات یعنی آن چه مورد درخواست و توجه قرار می‌گیرد. پس خیرات، وجودی هست و شرور، نیستی‌ها. نیستی، هیچ‌گاه نیازمند آفریدگار نیست، پس فلسفه ثنویت به هم ریخته و مردود است. (۵۲)

۲. شرور و آفات طبیعی، از وجود طبیعت مادی جدا نشدنی است، یعنی، ضعف در پذیرش مخلوقات است و گرنه عنایت باری تمام است. آنچه اصالتاً و

است که «عنایت و نظام احسن به چه دلیل؟!» چگونه نظام، احسن است و حال آن که شرور و آفات‌ها، بیماری‌ها و حوادث طبیعی هر از چند گاهی، طبیعت و انسان‌ها را می‌کوبد و می‌کاهد؟ وجود انسان‌های معلول جسمی و روانی و به کمال نرسیده‌ها، اندک نیست. (۵۰)

دانشمندان الهی از مشکل شرور، پاسخ‌های گوناگونی داده‌اند که تنها یک مورد آن ذکر می‌گردد. اما قبل از آن یادآوری نکته‌ای ضروری به نظر می‌رسد و آن این که:

بعد از آن که برهان لمّی و اثبات نظام احسن نمودند، اگر موردی در ظاهر بر خلاف داده قطعی عقل درآمد، حتماً این ناهمخوانی در ظاهر است و در واقعیت تنافی نیست. اما پاسخ شبهه:

متفکر فرزانه، شهید استاد مرتضی مطهری می‌فرمایند:

مسأله نظام احسن و اشکال شرور، از

۵۰. مطهری، ۱۳۷۷ هـ. ش، ج ۱، ص ۱۱۱.

۵۱. طباطبایی، ۱۳۷۷ هـ. ش، ص ۳۱۰.

۵۲. همان، ص ۳۱۳.

تعهد داده است که بهترین جهانی را که می‌تواند، می‌آفریند؟ آیا اگر جهان مادون را پدید آورد، حق کسی ضایع شده است؟

پاسخ: دقت در ادله‌ای که حکمت متعالیه برای اثبات نظام احسن و تفسیر برهان عنایت آورده، به آسانی به این سؤال‌ها و شبهه‌ها پاسخ می‌دهد؛ از جمله: لزوم و ضرورت نظام احسن از باب واجب علی الله، حکم تکلیفی بر او و تعهد دادن از جانب او نیست، بلکه از باب واجب عنه و منه است. توضیح این که وقتی ذات اقدس الهی همراه با صفات او ملاحظه شود، کشف می‌شود که چنین ذاتی با چنان صفاتی همچون علم اکمل، قدرت نافذ، حکمت بالغ، حب ذات و افعال ذات، جز احسن خلق نمی‌کند و غیر آن نیز انگیزه‌ای ندارد. اینجا بحث از ظلم و قرار دادن آفرینش در برابر خداوند نیست. اینجا وجوب و لزوم تعهدی و

جداً مورد اراده قرار گرفته، وجود خیرات است، اما شرور بالتبع و بالعرض مطرح هست. (۵۳)

۳. همین امور به ظاهر آفت و شرّ، همراه يك سلسله خیرات و کمالات می‌باشند، که اگر نبودند، فواید زیادی فوت می‌شد. عنایت الهی موجب پیدایش آنها می‌شود، چون ترك خیر کثیر، شرّ خواهد بود. (۵۴)

۴. مقیاس در تعیین نظام احسن، تنها انسان و یا محدوده خاص نیست. بلکه کل نظام در نگاه کلان و عظیم مراد است که وجداناً، در نهایت حسن و استحکام است. (۵۵)

شبهه دوم

دلیلی برای اعتقاد به تحقق بهترین جهان در عوالم ممکن وجود ندارد. چرا نتوان برای هر جهانی ممکن، جهان بهتری فرض کرد؟ آیا آفریدگار به کسی

۵۳. حسن زاده آملی، ۱۳۷۵ هـ. ش، ج ۳، ص ۵۲۴-۵۲۹.

۵۴. ر. مقاله، لطیفی، ۱۳۸۲ هـ. ش، ش ۸ و ۹، ص ۱۲۳-۱۲۰.

۵۵. همان، ص ۱۲۵-۱۲۴.

خود، نشان‌گر این واقعیت است که موضوع برهان عنایت و نظام احسن در کنار علم ازلی، توجیه شرور و توجه خداوند به امر تکامل معنوی انسان‌ها، هم در فلسفه اسلامی و هم در فلسفه غرب مورد بررسی و بحث قرار گرفته است. (۵۷)

تکلیفی نیست، بلکه وجوب هستی شناسانه است، هر چند فرض جهان کامل و احسن، فرض جهان کامل‌تر دارد. لذا تعریف دانشمندان از نظام موجود، بهترین نظام ممکن است. (۵۶)

این بررسی کوتاه و گذرا، در حدّ

امیر مؤمنان علی علیه السلام:

الثناءُ بِأَكْثَرٍ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ، وَالتَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ.

نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۴۷

«مدح و تعریف بیش از استحقاق و شایستگی، تملق است؛ و

کمتر از استحقاق، ناتوانی است یا حسد».